

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان

پلخمان فلک

مادر میهن شده خونین جگر ، غم میخورم
راکت و خمپاره بارد چون مَطَر ، غم میخورم
زانکه (کرزی) گفت ! هرشب تا سحر ، غم میخورم
گُرسی ـ شورا اسیر زور و زر ، غم میخورم
صورتِ بد سیرتان پُر از شرر ، غم میخورم
قوٹی ـ عطّار بسته پُشتِ خر ، غم میخورم
جانشین آمد جوانان آشر ، غم میخورم
داخل و خارج همیشه در سفر ، غم میخورم
رشته وحدت ز ایشان گشته جر ، غم میخورم
در دفاع از (بوش) دارد کر و فر ، غم میخورم
زانکه از مادروطن شد برحذر ، غم میخورم
تاکی از خون غریبان معتبر ، غم میخورم
کفش آقا را جلای بیشتر ، غم میخورم
سوی (گیلان) می دود (ملا عمر) ، غم میخورم
عزت و حرمت به شاخ گاو نر ، غم میخورم
نطفه ها گندید و بر حال پدر ، غم میخورم
مادران افسرده از جور پسر ، غم میخورم
از فساد و فسق هر صاحب نظر ، غم میخورم
(تونی) و (شیراک) و (پوتین) ، در بدر ، غم میخورم
بر (گدای کاسه لیس) پُشت در ، غم میخورم
در خلاء دارد چَرش ، بی بال و پَر ، غم میخورم
بر چنین (پنجابی نسل گرّه خر) ، غم میخورم
مُشت ، بر دندان آن ننگ پدر ، غم میخورم
ورنه از خشم (پَتان) بودی خبر ، غم میخورم

هموطن آواره گشت و در بدر ، غم میخورم
سوخت مغز استخوان ، از جور هریک ناخلف
طالب پشمینه گر آید دوباره ، غم مخور
اعتباری نیست بر (قانونی) ـ قانون شکن
شکوه از کابینه دارد ، ملت رنجور ما
بر وزارتخانه ها ، نامی عجیبی داده اند
واژه کلتور گم از پُشتِ اطلاعات شد
(دادفر) نام و (سپنتا) کام و (رنگین) دام او
(ناامین فرهنگ) و (بی سیرت) ، (رهین) اجنبی
چای (سلطان زوی) جوش آمد به نار خاینین
تبعه خارج ، نباید منصب عالی گرفت
آنکه با فرمان غرب و غربیان گشته وکیل
رنگ بوت و برس و پالش ، دست هریک چاپلوس
خار شد (گلپنه) و (برهان) ز (سیف) خوجیین
کِشت تریاک است و چرس و بنگ و صد کار دگر
چشم بر ناموس میهن می چَرَد ، از هر طرف
گر پدر بازیچه شد بر دست نادان طفلکان
از چپ و از راست ، تازان بلا و درد و غم
گرفتد قمچین (ملا) ، دست (بوش) بیخدا
دیگ (پاکستان) ، تاکی می پَزَد (دال ریا)
نام او (پرویز) و اما ، چون مگس ، وز وز کنان
دید در آیین خود را ، شد (مشرف) ، (ی شرف)
کاش میبودم بجای (حامد کرزی) که تا
حیف ، ریش غیرت افتاده ، به دست ناکسان

ای شترمرغک ! نکردی بهر چه ، از خود دفاع
میهن زیبای ما ، ویران ز جور ناکسان
گرچه مارا نیست ، پروای پلخمان فلک
شیعه و سنی و ازبک ، تاجیک و پشتون چرا ؟
ای مسیحی و ، یهود و ، مسلم و ، هندو و ، گر
اشرف مخلوق و دعوا کردن و جنگ و جدل
دین ، بهر وحدت و آلفت ، نه جنگ و نفرت است
هرکسی گر با تحرّی ، بر حقیقت می رسد
محشری برپاست ، یاران ! از تضاد علم و دین
« نعمتا » جز وحدتِ عالم ، نباشد چاره ای

خامه ما ، زان سبب شد پرده در ، غم میخورم
از نفاق و فتنه هر خیره سر ، غم میخورم
تا ابد بر حال گنگ و کور و کر ، غم میخورم
دشمن جان هم و ، از بد بئثر ، غم میخورم
تابکی هستی از حق بیخبر ، غم میخورم
بر شعور و منطق و عقل بشر ، غم میخورم
ورنه می باید از ان صَرفِ نظر ، غم میخورم
دین و ایمانم فدایش ، مختصر ، غم میخورم
میکند تهدید ، عالم را خطر ، غم میخورم
گر کسی رد میکند بر خود ضرر ، غم میخورم